حاجی

**آقای تبريزی**

و از جمله مجاورين و مهاجرين حاجی آقای تبريزی بود \* اين مرد ربّانی از اهل تبريز و مشامش از نفحات گلشن عرفان مشکبيز بود \* در جوانی سرمست جام ربّانی گشت و تا ناتوانی قدمی ثابت داشت مدّتی در آذربايجان بسر برد و شيفته جمال جانان بود \* در آن قطعه و ديار چون باسم حقّ شهير گشت عرصه بر او تنگ شد خويشان و آشنايان بستيزه برخاستند و هر روز بهانه ئی جستند تا لانه و آشيانه بهم زد و با متعلّقين بارض سرّ پرواز نمود و در اواخر ايّام بادرنه رسيد \*ايّامی نگذشت در دست عوانان اسير شد

بهمراهی اين آوارگان در ظلّ عنايت جمال قديم بسجن اعظم آمد و همراز و همدم بود در بلايا و مصائب در اين زندان شريک و سهيم و صبور و سليم بود \*

بعد از آنکه اندک حرّيّتی حاصل شد بکسب و تجارت پرداخت ايّامی بسر ميبرد و در سايه الطاف راحت و آسايش داشت \* ولی از صدمات اوّل و مصائب و بلايا جسم عليل بود و قوی ضعيف لهذا عاقبت مريض شد و بانحلال شديد مبتلا گشت و در جوار مبارک در ظلّ سدره منتهی از اين عالم ادنی بفردوس اعلی شتافت و از اين جهان ظلمانی بعالم نورانی پرواز نمود \* اغرقه اللّه فی بحار الغفران و ادخله فی جنّة الرّضوان و اخلده فی فردوس الجنان \* خاک پاکش در عکا است \*